

تحلیل انتقادی «الفرقان الحق» در حوزه و حیانت و جامعیت در معارضه با قرآن

محمدهادی امین ناجی *

محمدحسن زمانی **

رحمان آغازی ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

تاریخ تائید: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱

چکیده

مخالفان اسلام در معارضه با قرآن کریم و پاسخگویی به تحدی، اقدام به تألیف کتابی با نام *الفرقان الحق* نموده و ۷۷ سوره ساختگی را مملو از اختلاف و تناقض و با اقتباس و تقلید فراوان از قرآن کریم ساخته‌اند. این مقاله که به شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته، به نقد و بررسی ادعاهای این کتاب در حوزه و حیانت و جامعیت می‌پردازد. نویسنده در حوزه و حیانت، کتاب خود را وحی تلقی کرده که از طرف خداوند بر او نازل شده است، این ادعا با وجود تناقض‌های فراوان و اقتباس‌های گوناگون از قرآن از جهت لفظ، معنا و اسلوب، قابل نقد است. از جمله تناقضات این کتاب: آمدن و نیامدن پیامبری بعد از حضرت عیسی علیه‌السلام، اعتقاد به اقامیم ثلاث و ادعای عدم شرک و استدلال با کلمات قرآن و حمله علیه آن است. همچنین نویسنده در حوزه جامعیت، با اقتباس از آیه‌ای از قرآن، مدعی است که در کتاب او شرح همه چیز آمده است که این ادعا نیز با بررسی متن کتاب خلاف واقع است. با توجه به ادعاهای نویسنده *الفرقان الحق* در معارضه با قرآن در حوزه‌های و حیانت و جامعیت و با وجود تناقض‌ها و اقتباس‌های متعدد و عدم جامعیت آن، دروغ بودن و ابطال همه ادعاهای آن ثابت شده است.

کلیدواژه‌ها: اعجاز، معارضه، تحدی، *الفرقان الحق*، تناقضات، جامعیت، و حیانت، انیس شوروش.

* استادیار دانشگاه پیام نور Ma_najee@pnu.ac.ir

** استادیار جامعه المصطفی العالمية. L_m_zamani@imam.miu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول). Aghazi.ra@gmail.com

مقدمه

یکی از دلایل اعجاز قرآن کریم «تحدی» است که در لغت به معنای دعوت به مسابقه (جوهری، ۱۳۵۴: ۲۳۱۰/۶) و مبارزه طلبی و پیش‌خواندن خصم برای غلبه جستن بر اوست (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۷۹/۳؛ ابن‌فارس، ۱۳۸۷: ۲۱۴؛ صفی‌پور، ۱۳۷۷: ۲۳۰/۱) و در اصطلاح نیز عبارت است از اینکه معجزات انبیاء همیشه همراه با مبارزه طلبی و هم‌آوردی است. پیامبران الهی با انجام امری فوق‌العاده و اثبات عجز دیگران، ادعای خود را به اثبات می‌رسانند؛ بنابراین هر کاری گرچه فوق‌العاده باشد و دیگران از انجام آن عاجز باشند، ولی اگر به همراه تحدی و مبارزه طلبی نباشد، معجزه نامیده نمی‌شود (حسن ابن یوسف، ۱۴۱۵: ۴۰۳)؛ به عبارت دیگر، تحدی شرط اساسی در معجزه و اثبات عجز کسانی است که می‌خواهند با آن مبارزه نمایند.

قرآن کریم برای اثبات وحیانی بودن و نزول آن از جانب خداوند و اینکه انسان قادر نیست این چنین کتابی را تدوین کند، به همگان اعلام کرد که اگر در الهی بودن قرآن شک دارید شما هم مانند آن را بیاورید. و هیچ‌کس در گذشته توان هم‌آوردی با آن را نداشت و در آینده نیز هیچ‌کدام از فصحاء با همه توان علمی نخواهند توانست مانند آن را بیاورند (سیدمرتضی، ۱۳۸۷: ۳۳).

پاسخ به تحدی قرآن توسط دشمنان اسلام از زمان نزول آن مطرح بوده است. مخالفان و منکران قرآن ادعا می‌کردند: (اگر بخواهیم همانند آن می‌گوییم. این چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست) (انفال/۳۱). در طول تاریخ اسلام، معارضان کوشیده‌اند به این

تحدی پاسخ گویند. مسیلمه کذاب که بلافاصله بعد از درگذشت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ادعای نبوت کرد، ادعا داشت که به او وحی می‌شود و جملاتی به تقلید از قرآن به هم بافته بود (طبری، ۱۳۶۵: ۱۴۱۴/۴). همچنین مشهور است که ابن مقفع متنبی و ابوالعلا معری نیز هر یک به نوعی و به قصدی در مقام نظیره‌گویی برای قرآن برآمدند و توفیقی در این مبارزه یا معارضه نیافته‌اند (رافعی، ۱۴۲۱: ۱۲۷/۱؛ ۱۳۲). بعد از این موارد، مدت طولانی معارضه با قرآن تعطیل ماند اما از سال ۱۹۹۰ میلادی معارضه‌ای جدید آغاز شد و برخی از دشمنان اسلام وارد میدان معارضه و پاسخ‌گویی به تحدی قرآن کریم شدند. آنان از طریق اینترنت چهار سوره ساختگی با عناوین: مسلمون، تجسد، وصایا و ایمان را ارائه کردند (علیزاده، ۱۳۷۹: ۱۴۳) و بالای آن هم نوشتند: (فاتوا بسورة...) اثینا باربعه سورة؛ و این تجربه‌ای برای نگارش کتاب *الفرقان الحق* شد. این کتاب در سال ۱۹۹۹، به شکل وسیعی در اینترنت و برخی از شبکه‌های مشهور فروش اینترنتی کتاب، چون آمازون پخش شد. همچنین در مدارس خصوصی آموزش انگلیسی کشور کویت توزیع شد (حسن نیا، ۱۳۸۷: ۲).

الفرقان الحق منسوب به دو شخص ناشناس (الصفی و المهدی) است. در این اثر، جدیدترین تهاجم دشمنان اسلام علیه تحدی قرآن است حاوی ۷۷ سوره ساختگی است که با اقتباس فراوان از قرآن تألیف یافته است. آنها به زعم خود با تدوین این کتاب قصد دارند قرآن کریم را به چالش بکشاند و شبهاتی را در میان مسلمانان رواج دهند و از این راه مسلمانان را نسبت به کتاب آسمانی خود بدبین نمایند.

بنابراین با توجه به اینکه قرآن معجزه جاویدان رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و براساس نص آن هیچ‌کس یارای مقابله با آن و آوردن مانند آن را ندارد و با عنایت به اینکه تألیف کتاب *الفرقان الحق* نوعی مقابله و پاسخ به تحدی قرآن محسوب شده است، شناخت کتاب مزبور و بیان اشکالات آن اهمیت زیادی دارد؛ چون این تصور و توهم برای منکران و دشمنان اسلام به وجود آمده که سوره‌هایی مانند قرآن آورده‌اند و از سویی دیگر تأثیر تبلیغ خود علیه قرآن را محتمل پنداشته‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر با تحلیل انتقادی، در پی اثبات خطا و بطلان کتاب مزبور است. درباره این موضوع تحقیقات بسیار کم و به‌صورت کلی انجام گرفته و ما در این مقاله به‌صورت موردی و به هدف تبیین برخی از ادعاهای آن در حوزه وحی‌انیت و جامعیت و براساس روش توصیفی-تحلیلی به آن می‌پردازیم. برخی از مباحث این نوشتار شامل نقد و بررسی این ادعاهای سه‌گانه است: ۱. ادعای وحی‌انیت کتاب *الفرقان الحق*، ۲. ادعای جامعیت کتاب *الفرقان الحق*، ۳. تناقضات *الفرقان الحق* و اقتباس‌های فراوان آن از قرآن کریم.

معرفی *الفرقان الحق*

یکی از کتاب‌هایی که اخیراً در جهت معارضه با قرآن کریم در کشور آمریکا تهیه و از طریق اینترنت منتشر شده، کتاب *الفرقان الحق* است. نویسنده آن نگارش کتاب را بعد از پایان جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ م. شروع کرد و در سال ۱۹۹۸ م. به اتمام رساند. چاپ اول آن در سال ۱۹۹۹ م. بود که انتشارات «واین پریس» و «امگا» در ایالت تکزاس آمریکا آن را

منتشر کرد و آن را بر روی سایت «آمازون» قرار داد. سپس چاپ دوم در سال ۲۰۰۱، چاپ سوم سال ۲۰۰۲ (خالدی، ۲۰۰۵: ۲۷) و چاپ چهارم آن در سال ۲۰۰۴ م منتشر شد.

این کتاب به زبان عربی و انگلیسی به چاپ رسیده و به نویسندگان و مؤلفانی با نام مستعار «الصفی» و «المهدی» نسبت داده شده است. «انیس شوروش» به‌عنوان مترجم این کتاب معرفی شده هرچند که بسیاری او را نویسنده *الفرقان الحق* می‌دانند. وی در وب‌سایت خویش، به تمجید از این کتاب پرداخته است (خالدی، ۲۰۰۵: ۲۳-۲۴). نام برخی سوره‌های جعلی کتاب عبارت است از: «الفاتحه»، «النور»، «التوحید»، «التوبه»، «القدر»، «الفرقان»، «النساء»، «الطلاق»، «الزنی»، «البهتان»، «الصلب»، «الثالوث»، «القتل». او در آیات دروغین کتاب *الفرقان الحق* بارها ادعای نبوت کرده است:

«و اصطفیناه و شرحنا صدره لایمان و جعلنا له عینا تبصر و اذنا تسمع و قلبا یعقل و لسانا ینطق بالحق و اوحینا الیه بالفرقان الحق فخطه بالحق فی سبعة ایام و سبع لیال جلیدا» (فصل‌الشهید / فقره ۲)؛ «او را برگزیدیم و سینه او را برای ایمان وسعت دادیم و برای او چشمی را که ببیند و گوش‌هایی که بشنود و قلبی که تعقل کند و زبانی که به حق سخن بگوید و وحی کردیم به او فرقان الحق را پس آن را در هفت شب و روز نگاشت.»

«و انزلناه نورا علی قلبه فبلغه بلسان مبین و انا له لحافظون» (فصل‌الفرقان / فقره ۴)؛ «و فرستادیم آن‌را نوری در قلب او پس ابلاغ کرد آن را به بیان روشن و ما آن را نگهداری می‌کنیم.»

اهداف انتشار الفرقان الحق

۱. ادعای هماوردی

«انیس شورش» در سایت خویش، به تمجید از این کتاب پرداخته است و در مقاله‌ای^۱ پیرامون آن تصریح نموده است که: «پیامبر عرب، کل جهان را با این آیه که «اگر می‌توانید کتابی همانند قرآن بیاورید»، به مبارزه طلبید، ما هم همان‌گونه که در سوره اسرا آیه ۸۸ آمده است این مبارزه طلبی را پذیرفتیم که کتاب الفرقان الحق نتیجه آن است»^۲. نویسنده کتاب می‌افزاید: قرآن دیگران را به آوردن مانند آن به مبارزه فراخوانده و آنان در طول ۱۴ قرن نتوانستند این کار را بکنند، اما او موفق شده و توانسته همانند قرآن، بلکه بهتر از آن را بیاورد (Musaji, 2007).

و ادعا می‌کند این کتاب بعد از ۱۴۰۰ سال در نوع خودش اولین است و بهتر از قرآن مسلمانان است زیرا به زبان عربی خوب و ترجمه انگلیسی خوب تهیه شده است و بر مسلمانان لازم است که دست از قرآن خود بردارند و به الفرقان الحق روی آورند (خالدی، ۲۰۰۵: ۲۸).

۲. تبلیغ مسیحیت و انجیل به زبان و سبک قرآن

از اهداف مهم کتاب این است که آموزه‌های مسیحیت را با بیان و اسلوب قرآن در بین مسلمانان رواج دهد تا بتواند مسلمانان را مسیحی کند. انیس شورش در وبسایت خود می‌نویسد: هدف ما بیان و معرفی بشارت‌های عیسی مسیح به پیروانمان و برادران عربمان

است تا بتوانند به همان سبک و سیاق زبان قرآن این بشارت‌های مسیح را دریابند (رضانژاد، ۱۳۸۵؛ خالدی؛ همان) او در یکی از آیات ساختگی آورده است:

«یا ایها الذین کفروا من عبادنا لو انکم آمنتم بالانجیل الحق و اتقیتم لکفرنا عنکم سیئاتکم وادخلناکم مدخلا کریم» (القتل/۷)؛ ای بندگان کافر ما، اگر به انجیل حق ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید گناهان شما را می‌پوشانیم و شما را در جایگاهی خوب داخل می‌کنیم. اسامی برخی از سوره‌های ساختگی آن: «الثالوث»، «المسیح»، «الحواریین» و «الانجیل» است.

۳. انتشار شبهات پیرامون عقاید مسلمانان

در کتاب الفرقان الحق شبهات متعدد در همه بخش‌ها یا سوره‌های دروغین آن طرح شده است، شبهاتی درباره عقاید مختلف مسلمانان از قبیل توحید، نبوت، جهاد و شهادت، بهشت و دوزخ، عبادات و واجبات و همچنین شبهات زیادی درباره جایگاه زن در قرآن و سایر موضوعات اسلامی طرح شده است. البته در بین این موضوعات، «جهاد» بیشترین حجم و اشکال بر آن وارد شده است. به‌عنوان نمونه: «و ما ارسلنا من رسول یامر حزبه بالقتل» (الماکرین/۳)؛ «ما رسولی را نفرستادیم که گروه خود را به کشتن فرمان دهد.»

«الا ان من یامر بالقتل فلیس بالله سمیع علیم ان هو الا شیطان زنیم» (الملوک/۴)؛ «آگاه باشید هر که به کشتن فرمان دهد او خدای سمیع علیم نیست بلکه شیطان پست است.»

ادعای و حیانت الفرقان الحق

نویسنده الفرقان الحق در معارضه با قرآن کریم و

1. Twenty year plan for USA: Islam targets America

2. <http://www.islam-in-focus.com/Aboutus.htm>

پاسخگویی به تحدی آن، کتاب خود را وحی تلقی کرده که از طرف خداوند بر او نازل شده است: «و ان الفرقان الحق هو کلمتنا و هو الحق الیقین و لو کره الکافرون» (الشهید/۸)؛ «و الفرقان الحق کلمه ما و حق یقین است و هرچند که کافران اکره داشته باشند.»

فرقان حق انزلناه لنخرج الضالین من الظلمات الی النور (المسیح/۶)؛ الفرقان الحق را نازل کردیم تا خارج کنیم گمراهان را از تاریکی به نور.

نیز در فقراتی از کتاب تأکید شده است که الفرقان الحق وحی نازل شده بر (الصفی) است:

انا انزلناه نورا علی قلب صفینا فخطه کلمه باعیننا و القاه فی اسماعکم و ابصارکم و فی قلوبکم و بین ایدیکم لیطهرکم من الکفر و یخرجکم من الظلمات الی النور لعلکم تهتدون (النور/شماره ۷)؛ ما نازل کردیم نور را بر قلب صفی ما پس آن را تحت نظر ما نوشت و بر گوش‌ها و چشم‌های شما القا کرد و در قلب‌ها و میان دستان شما تا شما را از کفر پاک کند و از ظلمات به نور ببرد شاید هدایت شوید.

و انه الصفی الامین و ان الفرقان الحق هو کلمتنا و هو الحق الیقین و لو کره الکافرون (الشهید/۸)؛ او صفی امین است و فرقان الحق کلمه ما و حق یقین است و هرچند که کافران اکره داشته باشند.

نقد و بررسی

این ادعا با دلایل متعدد زیر قابل نقد است:

تناقضات و اختلافات فراوان

این دلیل نشأت گرفته از این آیه شریفه است: «و لَوْ کَانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اِخْتِلَافًا کَثِیْرًا»

(نساء/۸۲)؛ «اگر از ناحیه غیرخدا بود اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند.»

قرآن کریم یک لوح آسمانی مدون نیست که به‌طور دفعی یک‌مرتبه نازل شده باشد، بلکه مجموعه آیات و رهنمودهای الهی آن در طول ۲۳ سال به تناسب و اقتضای شرایط و پدیده‌های اجتماعی فضای دعوت اسلامی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله وسلم نازل می‌شد و دقیقاً ناظر به نیازهای همان وقت بود (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۳۱). با این حال همه آیات در ارتباط با هم و از نظر معنا دارای انسجام واحدی هستند و هرکس همه آیات قرآن را در کنار هم مطالعه نماید، تناسب آنها را با یکدیگر و دوری آنها را از هرگونه اختلاف و ناسازگاری درمی‌یابد؛ و چنین ویژگی نشانه انسجام آیات (مودب، ۱۳۹۳: ۲۶۲) و الهی بودن قرآن است.

قرآن کریم با وجود تنوع و گستردگی مطالب، هیچ‌گونه اختلاف و تناقضی در آن وجود ندارد. خداوند حکیم هم به این نکته اشاره فرموده است: «و لَوْ کَانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اِخْتِلَافًا کَثِیْرًا» (نساء/۸۲)؛ مفسران در تبیین این آیه گفته‌اند: منظور از اختلاف، تناقض میان معانی و اختلاف میان الفاظ است، کلام بشر، هنگامی که طولانی می‌شود و متضمن معنایی باشد که قرآن متضمن است از این تناقض‌ها خالی نخواهد ماند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۵/۳) و یا اختلاف در فصاحت است که قرآن عاری از کلام سست و فصاحت آن از اول تا آخر حفظ شده است (رازی، ۱۴۲۰: ۱۵۲/۱۰) و از جهت فصاحت و بلاغت همه یکسان، نه چون کلام مخلوق برخی رکیک و ضعیف و برخی فصیح و بلیغ (جرجانی، ۱۳۷۷: ۲۵۰/۲). آیات

جدید آیات قدیم را تصدیق و هریک شاهد بر دیگری، نه اختلاف تناقض، به اینکه آیه‌ای، آیه دیگر را نفی کند و نه اختلاف تدافع که با هم سازگار نباشد و نه اختلاف تفاوت به اینکه دو آیه از نظر معنا و منظور مختلف باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶/۵) و اشاره آیه شریفه به اختلاف زیاد، چون غیر خدا محکوم به طبیعت این عالم و طبیعت بر حرکت و دگرگونی و تکامل است، هیچ انسانی نیست مگر امروز عاقل‌تر از دیروز و هر عمل و تدبیر او پخته‌تر و متین‌تر از دیروز است (همان: ۲۷/۵). بنابراین، با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول بیست و سه سال، در حالات گوناگون جنگ و صلح، پیروزی و شکست، سختی و راحتی، عدم تضاد و اختلاف قرآن کریم، به سرچشمه الهی آن باز می‌گردد و اما درباره *الفرقان الحق* با وجود تناقض و اختلاف‌های فراوان، نویسنده کتاب ادعای الهی بودن آن را دارد که ذیلاً به بخش‌هایی از تناقض‌های آن اشاره می‌شود:

۱. استدلال با کلمات قرآن و حمله علیه قرآن

نویسنده *الفرقان الحق* در بخش‌های مختلف کتابش، به قرآن کریم هجوم برده و بر آن اشکال وارد می‌کند و در عین حال از آیات قرآن بهره‌برداری کرده و با عبارات آن استدلال می‌کند: من یبتغ غیر الإنجیل والفرقان کتاباً فلن یقبل منه (الکبائر/۱۳)؛ و کسی که به غیر از انجیل حق و فرقان حق کتابی هدایت‌گر را اختیار کند، از او قبول نخواهد شد. این جمله از آیه قرآنی ذیل اخذ شده است: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران/۸۵)؛ «و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد.»

در همه صفحات کتاب این شیوه از اقتباس یافت می‌شود؛ به عنوان مثال: و کم من فئة قليلة مؤمنة غلبت فئه كثيرة كافرة بالمحبة و الرحمة السلام فلا يستوى الخبيث والطيب ولو اعجبكم كثيرة الخبيث و العاقبة للمتقين.^۳ و مثل کلمه طيبة كمثل شجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء توتى اكلها الطيب كل حين؛ و مثل کلمه خبيثة كمثل شجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض فما لها من قرار ركين (صلاح/۹، ۱۴-۱۵).^۴ این آیه‌های ساختگی از آیات قرآنی ذیل اخذ شده است: بقره/۲۴۹، مائده/۱۰۰، ابراهیم/۲۶، ۲۵، ۲۴.

۲. آمدن و نیامدن پیامبری بعد از حضرت عیسی علیه السلام

نویسنده در یکی از فصل‌های کتاب می‌نویسد:

فما بعد كلمتنا من كلم و لا بعد تنزيلنا من مستنزل و لا بعد دين الحق من دين قويم الى يوم تبعثون *(الفرقان الحق / فصل المسيح / فقرة ۲۴)*؛ بعد از کلمه ما عیسی علیه السلام کلمه‌ای نیست و بعد از فرستاده ما فرستاده‌ای نیست و بعد از دین ما تا روز قیامت دینی نیست.

این ادعا متناقض با فقرات دیگر کتاب *الفرقان*

۳. چه بسیار گروه‌های کوچکی که بر گروه‌های زیادی از کافران، با محبت و رحمت و سلامت پیروز شدند! پس مساوی نیست بلید و پاک هرچند که زیادی خبیثان باعث تعجب شما باشد و عاقبت از آن متقین است.

۴. کلمه طيبه مانند درخت پاکیزه‌ای است که ریشه آن ثابت و شاخه آن در آسمان است که خوراکی‌های پاک را هر زمان می‌دهد و کلمه خبيثة مانند درخت ناپاکی که از زمین برکنده شده و قرار و ثباتی ندارد.

۴. فرزند داری خدای متعال

نویسنده *الفرقان الحق* در آیه ساختگی ذیل می‌نویسد:

خداوند همسر و فرزندی اختیار نکرده است:

فما اتخذنا ولدا و ما كانت لنا صاحبة و ما لنا شريك كما افترى المفترون على عبادنا المؤمنين (تالوث/۲): ما فرزندی اختیار نکردیم و برای ما همسری و شریکی نیست آن‌گونه که تهمت‌زنندگان به بندگان مؤمن ما می‌گویند.

اما همه فصل‌های کتاب را با نام پدر و کلمه آغاز کرده است: بسم الآب الكلمة الروح الاله الواحد الاوحد.

الحق است: و نصطفی من عبادنا المؤمنین من نشاء لیبلغ سنتنا هادیا و مذکرا و ما یطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی نزله بالحق علی قلبه لئلا یلین لعلهم یتهدون (فصل الوحی / فقره ۱) و (فصل الشهید / فقره ۲): برمی‌گزینیم از بندگان مؤمن خود هرکس را که بخواهیم تا سنت ما را ابلاغ کند هدایت‌کننده و تذکردهنده و با هوای نفس خود سخن نمی‌گوید آن چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است، نازل کردیم آن را نوری به حق، بر قلب او برای گمراهان تا شاید هدایت شوند.

۳. اعتقاد به اقانیم ثلاث و ادعای عدم شرک

اولین فصل از کتاب *الفرقان الحق* (بسمله) با نام اقانیم ثلاث: اب، کلمه و روح، آغاز می‌شود و پس از آن بر توحید و وحدانیت تأکید می‌کند، یعنی هم ترویج سه‌گانه پرستی و هم یکتا پرستی: بسم الآب الكلمة الروح الاله الواحد الاوحد. مثلث التوحید موحد التثلیت ما تعدد (بسمله/۱-۲): به نام پدر، کلمه و روح، خدای یکتا. سه‌گانه توحید، یکتایی تثلیث که چندگانه نیست.

در جمله اول، سخن از وحدانیت است: الاله الواحد الاوحد؛ و در عبارت بعدی، ترویج تثلیث. در مواضع مختلف کتاب اختلاط توحید و تثلیث نمایان است؛ به‌عنوان مثال: فنحن الآب الكلمة الروح تالوث فرد اله واحد لا شریک لنا فی السماوات و الارضین (التالوث/۵): ما پدر، کلمه، روح هستیم، سه‌گانه یکتا، خدای واحد که شریکی برای ما در آسمان‌ها و زمین نیست.

در این جمله اذعان دارد که خداوند در حالی که تالوث است فرد نیز است و این تناقض است.

۵. شرک دانستن ایمان به رسول!

ایمان به رسول در نگاه نویسنده شرک است: و اشرك بنا من شارکنا الایمان بنا و قال: «آمنوا بالله و رسوله» ولا یؤمن بالمشرک الا القوم الکافرون (فصل المشرکین / فقره ۷)؛ و به ما شرک ورزید کسی که با ما در ایمان شریک شد و گفت: «ایمان بیاورید به خدا و رسولش» و ایمان به مشرک نخواهند آورد مگر مردم کافر. در این جمله بر این آیه از قرآن اشکال وارد کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾ (نساء/۱۳۶).

اما در بخش دیگری و در کلامی متناقض، ایمان‌آوردندگان به پدر، مسیح و روح را بندگان شایسته معرفی می‌کند: و الذین آمنوا بنا و بکلمتنا و روحنا و وحدانیتنا و باخوة الانسان و ابونا و الانجیل الحق و *الفرقان الحق* من بعده و اقاموا سنتنا اولئک هم عبادنا الصالحون (الایمان/۵)؛ و آنان که به ما و به کلمه و روح و یگانگی ما و به برادران انسان و پدرمان و انجیل حق و فرقان حق که بعد از آن آمده است ایمان آوردند

و سنت ما را بپا داشتند آنها بندگان صالح ما هستند.

۶. امکان هدایت ضالین

از دیگر تناقض‌های کتاب *الفرقان الحق* این است که هدایت گمراهان را محال و سپس ممکن می‌داند: وما جاء لغوكم بجديد فلانبوة ولاعلم ولامعجزة ولا روح ولا نور يهدى التائهين (بهتان/۴)؛ لغو شما چیز جدیدی نیست پس نه نبوتی، نه علم و معجزه و نه روح و نوری دارد که گمراهان را هدایت کند. نیز در کلام دیگر مدعی است که: راهی برای هدایت گمراهان نیست: یا ایها الذین آمنوا من عبادنا، اتریدون ان تهدوا من اضلهم الشیطان فلن تجدوا الی ذلک سبیلا (العاملین/۳)؛ ای بندگان من که ایمان آوردید: آیا می‌خواهید هدایت کنید کسی را که شیطان او را گمراه کرده است؟ هرگز برای آن راهی نمی‌یابید.

در فقره دیگر، این سخن را نقض کرده و ستمگران و گمراهان را قابل هدایت می‌داند: مهیمین یحطم سیف الظلم بکف العدل و یهدی الظالمین (فاتحه/۲)؛ ایمن‌بخشی که شمشیر ستم را به دست عدل می‌شکند و ستمگران را هدایت می‌کند.

انواع اقتباس از قرآن در *الفرقان الحق*

یکی دیگر از دلالتی که اثبات می‌کند این کتاب ساخته دست بشر و غیر وحیانی است، اقتباس‌های فراوان آن است.

مؤلف کتاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دروغگو و قرآن را غیر وحیانی می‌داند و با این وجود از بخش‌های مختلف آن بهره‌برداری کرده است:

یا ایها الناس: اذا جاءکم رسول او نبی او ملک

من السماء بغير ما جائکم به فی الانجیل الحق و *الفرقان الحق* من بعده فلا تستمعوا الیه ولا تتبعوا سبیله فهو مارق کافر و شیطان ائیم (الحق/۹)؛ ای مردم هرگاه رسول یا نبی یا ملکی از آسمان آمد بدون آنچه در *انجیل حق* و *فرقان حق* آورده پس گوش ندهید به آن و تبعیت نکنید راه او را زیرا او کافر و شیطان گناهکار است.

و حذرناکم فی الانجیل الحق من الانبیاء الافاکین... (فصل الحق / فقره ۱۰)؛ شما را در انجیل برحذر داشتیم از پیامبران دروغین.

در این بخش به نمونه‌هایی از اقتباس‌های *الفرقان الحق* از قرآن کریم اشاره می‌شود:

۱. اقتباس از اسامی سوره‌های قرآن

کتاب *الفرقان الحق* دارای ۷۷ سوره است که در ۱۳ مورد از اسامی سوره‌های قرآن استفاده شده است: الفاتحه، النور، التوحید، الفرقان، القدر، التوبه، النساء، الطلاق، المائدة، المنافقین (منافقون)، الانبیاء، اقرا (علق)، الکافرین (کافرون).

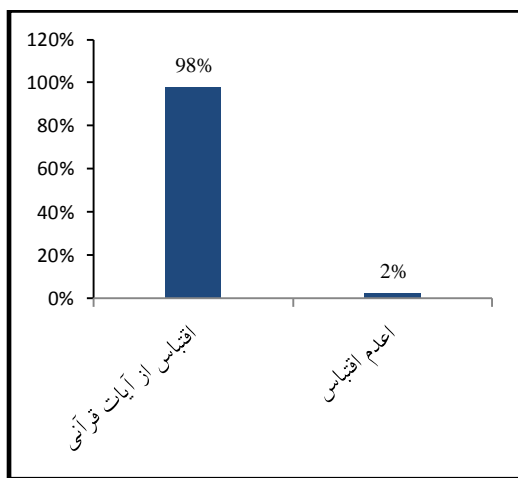
در ۵۲ مورد از واژگان قرآن برای نام‌گذاری سوره‌های ساختگی خود بهره برده است: المسیح، الصلب، الروح، السلام، الایمان، الحق، الشهید، الوحی، الانجیل، الشهادة، الماکرین، الصلاة، الموعظه، الحواریین، اعجاز، طهر، العطاء، جزیه، الافک، الضالین، صیام، کنز، الامیین، المفترین، ملوک، طاغوت، الرعاه، الهدی، مشرکین، الحکم، الوعید، الاساطیر، الجنة، بهتان، یسر، الفقراء، المهتدین، طوبی، اولیاء، خاتم، التنزیل، القتل، العاملین، الآلاء، المیزان، قبس، الاسماء. *الفرقان الحق*، محبة، الاضحی، نسخ. الکبائر.

۹ عنوان هم از کلمات هم‌خانواده کلمات قرآنی

آیات، عبارات و کلمات کلیدی قرآن کریم اقتباس کرده است. جدول و نمودار زیر نتایج فوق را نشان می‌دهد:

جدول ۲. میزان اقتباسات از قرآن در الفرقان الحق

اقتباس از کلمات و عبارات قرآن	درصد	فراوانی
اقتباس از آیات قرآنی	۹۷.۸	۹۲۷
عدم اقتباس	۲.۲	۲۱
مجموع	۱۰۰.۰	۹۴۸



نمودار ۲. میزان اقتباسات از قرآن در الفرقان الحق

نمونه‌هایی از این اقتباس‌ها به شرح ذیل است:

- ❖ و اقترب الساعة و انشق الباطل^۵ (النور/۲).
- ❖ انزلناه بالحق فی ومضة الفجر فی ساعة القدر^۶
- ❖ یا ایها الذین آمنوا من عبادنا: انا مطهروکم من الذین کفروا الی یوم القیامه ثم الینا مرجعکم فالینا مرجع الامور و العاقبه للمتقین^۷ (المؤمنین/۱).

۵. پس حق نزدیک شد و باطل شکست خورد.

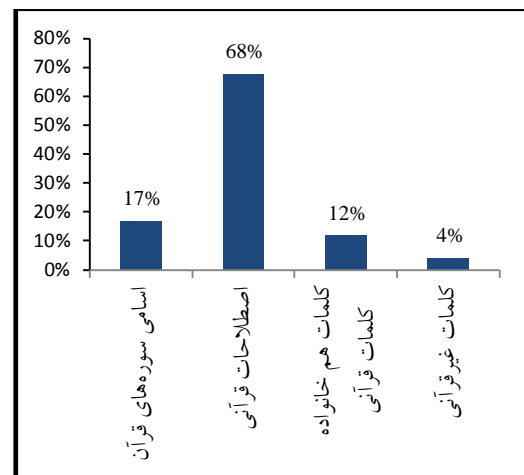
۶. ما آن را به حق نازل کردیم در سبیده صبح در ساعت قدر.

۷. ای بندگان ما که ایمان آورده‌اید: ما شما را پاک می‌کنیم از کسانی که کافر شدند سپس به سوی ما باز می‌گردید و همه امور به ما ختم می‌شود و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

استخراج شده است: المعجزات، الزواج، زنا، الاخاء، الصلاح، محرضین، الاصرار، تحریف، محاجه؛ و فقط ۳ عنوان جدید است که به هیچ وجه در قرآن نیست: ثالوث، غرائیق، مارقین. جدول و نمودار زیر این نتایج را نشان می‌دهد:

جدول ۱. میزان استفاده از قرآن در الفرقان الحق

استفاده از	فراوانی	درصد
اسامی سوره‌های قرآن	۱۳	۱۶.۹
اصطلاحات قرآنی	۵۲	۶۷.۵
کلمات هم‌خانواده کلمات قرآنی	۹	۱۱.۷
کلمات غیر قرآنی	۳	۳.۹
مجموع	۷۷	۱۰۰.۰



نمودار ۱. میزان استفاده از قرآن در الفرقان الحق

۲. اقتباس از عبارات و کلمات کلیدی قرآن در

بخش‌های مختلف آیات ساختگی

نویسنده کتاب در همه آیات دروغین کتاب خود، از کلمات، عبارات و جملات قرآنی بهره برده و آنها را با تغییر و جابجایی در جملات خود جاسازی کرده است. او از مجموع ۹۴۸ آیه ساختگی در ۹۲۷ مورد از

❖ یا ایها الذین آمنوا من عبادنا: وِدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ لَوِیضُلُونَكُمْ وَ مَا یضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ...^۸ (المحاجه/۱).

ادعای جامعیت الفرقان الحق

نویسنده کتاب الفرقان الحق با اقتباس از آیه قرآن، مدعی است که در کتاب او شرح همه چیز آمده است: و فیه تفصیل کل شی (الفرقان/۱۶)^۹ و قصه‌های آن اصدق القصص است: فرقان حق قدسی یقص علیکم اصدق القصص^{۱۰} (الفرقان/۱۵) و در آن از هر مثلی آمده است: و ضربنا فیه للناس من کل مثل لعلهم یذکرون^{۱۱} (الافک/۱).

قبل از پرداختن به نقد این ادعا لازم است درباره جامعیت قرآن کریم مطالبی بیان شود:

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، جامعیت و فراگیری آموزه‌های آن در همه شئون زندگی است. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبِیَانًا لِكُلِّ شَیْءٍ﴾ (نحل/۸۹)؛ و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است. مقصود از ﴿تَبِیَانًا لِكُلِّ شَیْءٍ﴾ در نظر برخی

از مفسران تبیین هر امر مشکل از امور دین (طوسی، بی‌تا: ۴۱۸/۶) و بیان مسائل شرعی مورد نیاز مردم که یا در نص قرآن یا احاله به رسول صلی‌الله علیه واله وسلم و جانشینان آن حضرت یا به اجماع امت واگذار شده و حکم همه اینها از قرآن کریم استفاده می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۶/۶) و یعنی اینکه علوم دین در قرآن موجود است (رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۸/۲۰) یا به تفصیل و یا اجمال (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۱۴/۵) برخی دیگر از مفسران و پژوهشگران، دایره شمول این آیه را بسیار وسیع‌تر دانسته و معتقدند که در قرآن، تمام آنچه می‌توان نوعی ادراک و فهم به آن پیدا نمود، وجود دارد؛ هرچند عقل و درک ما از شناختن آن قاصر است. سیوطی پس از برشمردن مواردی از علوم که مستنبط از قرآن است، می‌نویسد: «...علوم دیگری را نیز در بردارد، از جمله: طب، مناظره، هندسه، جبر و مقابله، نجوم و غیر اینها» (سیوطی، ۱۳۶۹: ۲۷۵/۲). غزالی در احیاء العلوم (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۹۸/۱) و جواهرالقرآن (غزالی، ۱۴۰۹: ۱۸)، زرکشی در البرهان (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۹۰/۱) و شماری دیگر این نظریه را پذیرفته‌اند؛ البته زرکشی، مراد از تمام علوم را اصول کلی آنها می‌داند.

علامه طباطبایی با استناد به روایات معصومین علیه‌السلام نیز معتقد است که قرآن تبیان هر چیزی است و علم «ما کان و ما یکون و ما هو

۸. ای بندگان ما که ایمان آورده‌اید: گروهی از کفار دوست دارند که شما را گمراه کنند و آنها فقط خودشان را گمراه خواهند کرد.

۹. و در آن تفصیل و شرح هر چیز است.

۱۰. فرقان حق برای شما تعریف می‌کند درست‌ترین قصه‌ها را.

۱۱. برای مردم در الفرقان الحق از هر منلی آوردیم شاید متذکر شوند.

کائن» یعنی آنچه بوده و هست و تا روز قیامت خواهد بود همه در قرآن هست و اگر این روایات صحیح باشد لازمه‌اش این می‌شود که مراد از تبیان اعم از بیان به طریق دلالت لفظی باشد و هیچ بعدی هم ندارد که در قرآن کریم اشارات و اموری باشد که آن اشارات از اسرار و نهفته‌هایی کشف کند که فهم عادی و متعارف نتواند آن را درک نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۲۵).

خلاصه اینکه درباره این آیه کریمه دو نظر وجود دارد: اول آنکه قرآن کریم همه حقایق لازم برای سعادت انسان را در بر دارد؛ و نظر دوم آنکه نه تنها همه حقایق لازم، بلکه همه حقایق هستی را به طور مطلق شامل است، لیکن استنباط از آن در اختیار همگان نیست، پس قدر مسلم آن است که آنچه در سعادت انسان دخالت دارد، در قرآن آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۶/۱)؛ بنابراین قلمرو جامعیت قرآن کریم بسیار گسترده است و همه مسائل فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

نقد و بررسی ادعای جامعیت *الفرقان الحق*

کتاب *الفرقان الحق* تهی از معارف، اخلاق و داستان‌های حکمت‌آمیز است و ادعای جامعیت آن چیزی جز سخن گزاف و ادعای واهی نیست. در نقد این ادعا نکات زیر قابل ذکر است:

شرح همه چیز در آن وجود دارد: و فیه تفصیل کل شی (الفرقان/۱۶)^{۱۲}. این عبارت از قرآن اخذ شده است و کاملاً با متن و محتوای قرآن تناسب دارد، زیرا قرآن کریم همان‌گونه که بیان شد، شامل موضوعات بسیار متنوع همچون معارف، احکام، مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سایر موضوعات است؛ اما در *الفرقان الحق* هیچ خبری از این مباحث نیست و اگر مطالبی هم ذکر شده به صورت ناقص و با اقتباس از قرآن کریم است. به عنوان نمونه درباره انسان و معاد آیات ساختگی به شرح زیر آمده است:

و ظل الانسان حینا من الدهر فی ضلال بعید
حتی کلمناه بالانجیل الحق ثم افضنا علیه من نورنا
بالفرقان الحق (مؤمنین/۵)؛ انسان در زمانی از روزگار گمراه بود تا اینکه با او در انجیل حق سخن گفتیم آنگاه با *الفرقان الحق* بر او نور خود را افاضه کردیم.

در این کتاب هیچ خبری از مراحل آفرینش، منزلت و تکریم انسان و اوصاف او نیست و اگر اشاراتی هم باشد، برگرفته از الفاظ و معانی قرآن است؛ مانند جمله ذیل که به تقلید از آیه شریفه، خلقت انسان را از نفس واحدی ذکر می‌کند: یا ایها الناس انا خلقناکم من نفس واحدة (*الفرقان الحق* /

۱۲. و در آن تفصیل و شرح هر چیز است.

۱. در *الفرقان الحق* ادعا شده که تفصیل و

الاخاء/۱)؛ ای مردم ما شمارا از نفس واحدی خلق کردیم.

اقتباس از آیات قرآنی:

﴿الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (نساء/۱).

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾ (حجرات/۱۳).

همچنین درباره معاد و عاقبت کافران در الفرقان الحق آمده است: يموت الكافرون ثم نقيمكم

جميعا يوم الحساب العظيم (السلام/۸)؛ کافران می‌میرند سپس روز قیامت همگی شما را برای

حساب نگه می‌داریم و درباره شهدا نیز با اقتباس از قرآن کریم می‌گوید: و لاتحسبن الذين قتلوا في سبيل

الحق و الايمان امواتا بل احياء في جناتنا ينعمون (الاولياء/۱)؛ کسانی که در راه حق کشته شده‌اند را

مرده نپندارید زیرا زنده‌اند و در بهشت ما متنعم هستند.

۲. در این کتاب ادعا شده که درست‌ترین

قصه‌ها در آن وجود دارد: يقص عليكم اصدق القصص (فرقان/۱۵) که این عبارت نیز اقتباس از

قرآن و هیچ تناسبی با متن الفرقان الحق ندارد زیرا حتی یک داستان در آن وجود ندارد.

۳. در فصل «الافک» کتاب الفرقان الحق ادعا

شده است که: از هر موضوعی، مثلی برای مردم گفته‌ایم: و ضربنا فيه للناس من كل مثل لعلمهم

يذكرون. (الافک/۱)

همان‌گونه که واضح است این عبارت از آیه

شریفه اقتباس شده است: ﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (زمر/۲۷).

مجموع مثل‌های کتاب الفرقان الحق به شرح ذیل است:

۱. و مثل کلمه طیبه کمثل شجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها الطیب کل حین^{۱۳} (الصلاح/۱۴).

۲. و مثل کلمه خبیثه کمثل شجره خبیثه اجثت من فوق الارض فما لها من قرار رکین^{۱۴} (صلاح/۱۵).

۳. و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینق بما لایسمع الا دعاء و نداء صمّ بکم عمی فهم لایعقلون^{۱۵} (الکبائر/۱۲).

۴. و مثل الذین کفروا و کذبوا بالانجیل الحق اعمالهم کرماد اشتدت به الريح فی یوم عاصف لایقدرون مما کسبوا علی شی ذلک هو الضلال الاکید^{۱۶}

۱۳. کلمه طیبه مانند درخت پاکیزه‌ای است که ریشه آن ثابت و شاخه آن در آسمان است که خوراکی‌های پاک را هر زمان می‌دهد.

۱۴. و کلمه خبیثه مانند درخت ناپاکی که از زمین برکنده شده و قرار و ثباتی ندارد.

۱۵. مثال کافران مثال کسی است که صدا می‌زند، ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند، کر و لال و نابینا هستند و چیزی نمی‌فهمند!

۱۶. مثال کسانی که کافر شدند و انجیل را تکذیب کردند، مثل خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی، آنها توانایی ندارند چیزی از آنچه را انجام داده‌اند به دست آورند و این گمراهی دوری است.

(ثالث/ ۱۸).

(الامیین/ ۲).

۵. و مثل المؤمن کمثل رجل اسس بنيانه على صخرة المحبه و الطهر و التقوى فظل ثابتا و فاز بالنصر الكبير^{۱۷} (الزنى/ ۱).

۱۰. و مثل الرسول الصالح کمثل راع اورد رعيته و ردا طهورا و رتعا حاللا^{۲۲} (سوره الرعاة/ ۱).

۶. و مثل الكافر کمثل رجل اسس بنيانه على شفا جرف هار من القتل والزنى والفجور فانهار به فى نار جهنم فلاقى سوء المصير^{۱۸} (الزنى/ ۲).

۱۱. فمثلہ کمثل سمل بال درسه الدهر فما اجدى فتيلا لقوم لاحقين^{۲۳} (سوره البهتان/ ۵).

۷. ان مثل المنافقين کمثل غاز دخل قريه فافسدها و جعل اعزة اهلها اذله وزعم انه رسول الملك اليهم و بينته كتاب افتراه فصدقه الجاهلون^{۱۹} (نسخ/ ۱).

۱۲. ان مثل الطغاة المعتدين کمثل لصوص سطوا على قصر مشيد فقتلوا اهلہ و سلبوا اموالهم و ما يدخرون^{۲۴} (سوره الملوك/ ۶).

۸. مثله کمثل عظام نخرة يتفخون فيها ليحيوا رميمها و من غيرنا يحيى العظام و هى رميم^{۲۰} (الامیین/ ۵).

۱۳. و مثل عبد آمن تاب الينا بعد ضلال کمثل رجل له مئة نعجه ضلت احداها فجدّ فى طلبها حتى وجده ففرح بها اكثر من التسع والتسعين (المحرّضين/ ۹)؛ و مثل بنده‌ای که ایمان آورده و بعد از گمراهی توبه کند مانند کسی است که صد گوسفند دارد و یکی از آنها گم شود و برای یافتنش تلاش زیاد کند تا اینکه آن‌را پیدا کند و با دیدن گوسفند گمشده بیش از همه گوسفندانش شاد شود.

۹. و مثل الامى يعلم اميين کمثل اعمى يقود عميا يهوون جميعا فى جب فيهلك القائد والمقودون^{۲۱}

۱۷. مثال مؤمن مثل کسی است که بنیان او بر روی سنگ محبت و پاکی و تقوا است و ثابت است و به پیروزی بزرگی نائل آید.
۱۸. و مثل کافر همچون کسی است که بنیان او بر روی لبه خشک از قتل، زنا و فساد است به سوی آتش که بد سرنوشتی است خواهد رفت.
۱۹. مثال منافقین مانند جنگجویی است که به قریه‌ای وارد شود و عزیزان آن را ذلیل کند و گمان کند که رسول است و معجزه او کتابی است که نادانان آن را تصدیق کنند.

تقد و بررسی

الف) از مجموع ۱۳ مثل کتاب *الفرقان الحق*، شماره ۱ تا ۸ با اقتباس از آیات قرآن تألیف شده است.

۲۰. مثل او مانند استخوان پوسیده مرده است که بدان بدمند تا آن را زنده کنند و به‌جز ما چه کسی زنده می‌کند استخوان‌های پوسیده را.

۲۲. و مثل رسول نیکوکار مانند چوپانی است که گوسفندانش را به‌سوی آبی پاک و مرتع حلالی وارد کند.

۲۱. مثل شخص امی که آموزش می‌دهد بی‌سوادان را مانند نابینایی است که فرماندهی می‌کند و همه را به چاهی می‌افکند و او و یارانش هلاک می‌شوند.

۲۳. مثل او مانند لباسی مندرسی است که برای پوشش اندام مناسب نیست.

۲۴. مثل متجاوزان مانند دزدانی است که وارد قصری برافراشته شوند و اهل آن را بکشند و اموال و همه دارائی‌ها را سرقت کنند.

ب) شماره ۹، ۱۰ و ۱۱ اتهام و طعنه به رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم و قرآن کریم را در قالب مثل آورده است.

ج) شماره ۱۲ به مجاهدان در راه خدا اتهام وارد کرده است.

د) شماره ۱۳ را با استفاده از روایات وارده درباره توبه تألیف کرده است: در کتب روایی اهل سنت آمده است:

إن رجلا قتل تسعة وتسعين نفسا ثم عرض له التوبة... (متقی هندی، ۱۹۸۹: حدیث ۱۰۱۵۷).

قال رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم: لله أشد فرحا بتوبة عبده حين يتوب إليه من أحدكم كان على راحلته بأرض فلاة فانفلتت منه وعليها طعامه و شرابه فأيس منها فأتى شجرة فاضطجع في ظلها قد أيس من راحلته فبينما هو كذلك إذ هو قائمة عنده فأخذ بخطامها ثم قال من شدة الفرح: اللهم أنت عبدى وأنا ربك أخطأ من شدة الفرح (همان).

رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند: خداوند به توبه بنده گناهکارش خوشحال تر است وقتی که یکی از شما به سوی او توبه می کند در حالی که در بیابان با شترش که غذا و آبش روی آن است و شترش گم می شود و از یافتن آن ناامید می شود و به سایه درختی پناه می برد و در این هنگام می بیند شترش در کنار او ایستاده و از شدت خوشحالی می گوید: بارخدا یا تو بنده منی و من رب

تو هستم.

نویسنده کتاب از مفاهیم و کلمات این روایات در تألیف آیه ساختگی خود بهره برده است.

بحث و نتیجه گیری

۱. الفرقان الحق که در معارضه با قرآن کریم و پاسخگویی به تحدی آن تألیف یافته است، مملو از تناقض و اقتباس از قرآن کریم است.

۲. ادعای نویسنده در نزول وحی بر او با وجود تناقض های گوناگون و اقتباس از قرآن مردود است.

۳. با بررسی متن کتاب، ابطال ادعای جامعیت الفرقان الحق و اشمال آن بر همه چیز، به اثبات می رسد.

۴. با توجه به ابطال ادعاهای وحیانت و جامعیت الفرقان الحق، به این نتیجه می رسیم که این کتاب ساخته و پرداخته دست بشر است و نویسندگان آن در معارضه با قرآن کریم شکست خورده اند.

منابع

-القرآن الکریم-

- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۸۷ش). معجم مقاییس اللغة. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.

- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن (۱۳۷۷ش). جلاء الازدهان و جلاء الحزان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). تفسیر موضوعی قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). مستشرقان و قرآن. قم: بوستان کتاب. چاپ سوم.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۰۷ق). الصحاح. تحقیق احمد عبدالغفور. بیروت: دارالعلم للملایین. چاپ چهارم.
- سید مرتضی (۱۳۸۷ش). الموضح عن جهة اعجاز القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. چاپ دوم.
- حسن نیا، علی (۱۳۸۷ش). «گزارشی از یک کتاب: الفرقان الحق کوشش نافرجام در تحریف قرآن». اندیشه تقریب. شماره ۲. صص ۱۳۹-۱۵۶.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۶۹ش). الاتقان فی علوم القرآن. تهران: انتشارات زاهدی. چاپ دوم.
- خالیدی، صلاح عبدالفتاح (۲۰۰۵م). الانتصار للقرآن. تهافت «فرقان» متنبی الامریکان امام حقائق القرآن. عمان: مؤسسة الفرسان للنشر.
- صفی پور، عبدالرحیم (۱۳۷۷ش). منتهی الارب فی لغة العرب. تهران: چاپ اسلامیة.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۵ش). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر. چاپ دوم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۵ش). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر. چاپ دوم.
- طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۲۵ق). مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالعلم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۲۵ق). مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالعلم.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۴۲۱ق). إعجاز القرآن و البلاغة النبویة. بیروت: دارالکتب العلمیة. چاپ اول.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۴۲۱ق). إعجاز القرآن و البلاغة النبویة. بیروت: دارالکتب العلمیة. چاپ اول.
- رضائزاد، عزالدین (۱۳۸۵ش). «نقد کتاب الفرقان الحق». اندیشه تقریب. سال دوم. شماره ششم.
- رضائزاد، عزالدین (۱۳۸۵ش). «نقد کتاب الفرقان الحق». اندیشه تقریب. سال دوم. شماره ششم.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۸۸ش). مستشرقان و قرآن. قم: بوستان کتاب. چاپ سوم.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۸۸ش). مستشرقان و قرآن. قم: بوستان کتاب. چاپ سوم.
- غزالی، محمد (۱۳۷۶ش). احیاء العلوم. تهران: انتشارات علمی.
- غزالی، محمد (۱۳۷۶ش). احیاء العلوم. تهران: انتشارات علمی.
- جواهر القرآن و درره. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جواهر القرآن و درره. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- فیض کاشانی، ملا محمد محسن (۱۴۱۸ق). *الاصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*. تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶ش). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۹۸۹م). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. بیروت: موسسة الرسالة.
- الرسالة.
- محمد عبد الرازق (۲۰۰۴م). *القرآن الأمريکی. أضحوکة القرن الحادی والعشرین*. مصر: دارالرضوان.
- مودب، سید رضا (۱۳۹۳ش). *مبانی تفسیر قرآن*. قم: انتشارات دانشگاه قم. چاپ سوم.
- *The True furqan*. Al Saffee and Al Mahdy, Omega, 2001. first edition.
- Musaji, Sheila (2007). *The True Furqan, Qur'an Hoax*.
<http://www.Theamericanmuslim.org>
<http://www.islaminfoocus.com/Aboutus.htm>